



ارتباط عوامل جمعیت شناختی و ویژگیهای شخصیتی با کودک آزاری و بی توجهی در گروهی از نوجوانان شهر اهر

ناصر رشیدی فر*، دکتر محمد نقی براهنی**، دکتر اصغر الهی***

چکیده

در این بررسی گروههای آزار شده و آزار نشده دختران و پسران در زمینه برخی متغیرهای جمعیت شناختی و ویژگیهای شخصیتی با یکدیگر مقایسه شدند. آزمودنیهای پژوهش را ۲۳۵ نفر (۱۳۱ دختر و ۱۰۴ پسر) از دانش آموزان دبیرستان شهر اهر (۱۸-۱۴ ساله) تشکیل داده‌اند که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده بودند. برای گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه کودک آزاری و بی توجهی و پرسشنامه شخصیتی آیزنک برای نوجوانان استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روشهای آمار توصیفی و آزمون آماری مستقل استفاده گردیده است. نتایج نشان داد که میانگین درآمد خانواده دو گروه در هر دو جنس تفاوت معنی‌داری دارد. از نظر ویژگیهای شخصیتی در مقیاس درون‌گرایی - بیرون‌گرایی بین گروههای آزار شده و آزار نشده در هر دو جنس تفاوت معنی‌داری بدست نیامد، ولی در مقیاس روان‌تندی تفاوت بین گروهها در هر دو جنس معنی‌دار و میانگین نمرات گروههای آزار شده بالاتر بود. در مقیاس روان‌پریشی تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه آزار نشده و آزار شده در پسران معنی‌دار بود و میانگین نمرات گروه آزار شده بالا بود ولی در بین گروههای دختران در این مقیاس تفاوت معنی‌داری بدست نیامد. در مقیاس دروغ سنجی تفاوت بین گروههای دختران معنی‌دار نبود ولی میانگین نمرات گروه آزار نشده پسران در این مقیاس بالاتر از میانگین نمرات گروه آزار شده بود و تفاوت میان آنها معنی‌دار بود. این بررسی نشان داد که متغیرهایی چون میزان تحصیلات پدر و مادر، وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده و تعداد فرزندان در بروز رفتارهای کودک آزاری موثر است.

کلید واژه: کودک آزاری و بی توجهی، ویژگیهای شخصیتی، عوامل جمعیت شناختی، اهر

* کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، اهر، خیابان رسالت (خیام سابق)، پلاک ۱۳۶

** روانشناس، دانشیار بازنشسته دانشگاه تهران، تهران، خیابان طالقانی، کوچه جهان، پلاک ۱، انستیتو روانپزشکی تهران.

*** روانپزشک، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، تهران، خیابان طالقانی، کوچه جهان، پلاک ۱، انستیتو روانپزشکی تهران.

افزایش آگاهی همگانی از آزار فیزیکی^(۱) یا جنسی^(۲) کودک، همسر آزاری و سایر شکلهای خشونت در خانواده، سبب شد چنین نتیجه‌گیری شود که خشونت در خانواده پدیده نوینی است و به صورت فراگیر در دو دهه گذشته افزایش یافته است. گرچه امروزه خشونت در خانواده توجه قابل ملاحظه‌ای را به خود معطوف ساخته، باید توجه داشت که این پدیده به عنوان بخشی از مشکلات خانواده در سراسر تاریخ مطرح بوده است. در روزگاران باستان نوزادان تا زمانی که حق حیات^(۳) از طرف پدر به عنوان یک آداب فرهنگی رسمی اعطاء نشده بود، هیچ‌گونه حقی برای زنده ماندن نداشتند (رادبیل^(۴)، ۱۹۸۰، نقل از بنکووسکی^(۵) و کربلو^(۶)، ۱۹۸۹). کشتن نوزاد در روزگاران قدیم و فرهنگهای پیش از تاریخ به صورت گسترده پذیرفته شده بود. نوزادان به خاطر گریه زیاد، بیماری یا بد شکلی یا به دلیل معلولیتهایی که داشتند رها می‌شدند تا بمیرند. دختران، دو قلوها و بچه‌های زنانی که ازدواج نکرده بودند بیشتر در معرض مرگ‌ومیرهایی قرار داشتند (رابین^(۷)، ۱۹۸۰، به نقل از همان جا). تاریخچه رفتار با کودک همیشه توأم با بی‌رحمی و خشونت نبوده است. کسودکان ۶۰۰۰ سال پیش در بین‌النهرین توسط یک الهه حامی^(۸) پشتیبانی می‌شدند. در یونان و روم خانه‌های یتیمان^(۹) ایجاد شده بود و چندین گزارش تاریخی موجود است که نشانه وجود مراکز نگهداری کودک می‌باشند. قوانین پشتیبانی از کودک در حدود ۴۵۰ سال پیش از میلاد تدوین شد (رادبیل، ۱۹۸۰، نقل از همان جا).

به منظور افزایش آگاهی از کودک آزاری^(۱۰) و بی‌توجهی به عنوان موضوع مربوط به سلامت اجتماعی^(۱۱) و فراهم آوردن اطلاعات پایا^(۱۲) برای برنامه ریزی و اقدامات اجتماعی، بخشهایی از سازمان جهانی بهداشت^(۱۳) مانند سلامت خانواده^(۱۴) فعالیت‌های اضطراری و بشر دوستانه^(۱۵) و بهداشت روانی^(۱۶) انجام پژوهشهای ابتکاری در زمینه بد رفتاری با کودکان را

پیشنهاد و توصیه می‌نمایند.

آزار کودکان به دو دلیل مشکل پنهانی بسیاری از کشورهاست: اولاً اطلاعاتی در این زمینه در دست نیست، ثانیاً خود موضوع انکار می‌شود یا بیان آن توأم با شرم و خجالت است. امروزه بدرفتاری با کودکان مشکل کشورهای پیشرفته و در حال توسعه است. یک بررسی در استرالیا (۱۹۸۸) نشان داد که ۳۸ هزار مورد کودک آزاری از جمعیت ۴/۴ میلیون کودک زیر ۱۷ سال وجود داشته است. بین سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۷ تخمین زده شد تعداد کودکانی که از کودک آزاری و بی‌توجهی جدی در انگلستان و ویلز رنج می‌برند، از ۱۱۳۰۰ نفر به ۲۲۵۰۰ نفر رسیده است (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۴).

برای شیوع بیشتر کودک آزاری و بی‌توجهی به آن علت‌های زیادی وجود دارد، از جمله گذار از وضعیت اقتصاد سازمان یافته به اقتصاد باز که ساختارهای اجتماعی - اقتصادی - حمایتی جامعه را دگرگون می‌کند. گسترش شهرنشینی که دسترسی به خدمات درمانی و اجتماعی را محدود می‌نماید، مهاجرت روستائیان به شهر که شبکه اجتماعی را از هم می‌گسلد، پیوستن شمار زیادی از زنان به نیروی کار، وضعیت پر آشوب قوانین حقوقی، آشفستگی اقتصادی و جنگ که خانواده‌ها را از خانه و وابستگیهای فرهنگی خویش دور می‌سازد (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۴).

در تبیین سبب‌شناختی کودک آزاری و بی‌توجهی، برخی عوامل تاریخی، اقتصادی و فرهنگی، عوامل

| | |
|-------------------------------|----------------------------|
| 1-child physical abuse | 2-child sexual abuse |
| 3-right to live | 4-Radbill |
| 5-Bankowski | 6-Carballo |
| 7-Robin | 8-Patron Goddess |
| 9-orphan homes | 10-child abuse and neglect |
| 11-community health | 12-reliable |
| 13-World Health Organization | |
| 14-family health | |
| 15-emergency and humanitarian | |
| 16-mental health | |

روش

این پژوهش از نوع پس رویدادی است. آزمودنیهای پژوهش را ۲۳۵ نفر از دانش آموزان دبیرستانهای شهر اهر ۱۳۱ دختر و ۱۰۴ پسر تشکیل داده‌اند که به طور تصادفی انتخاب شده بودند، براساس یک پرسشنامه خودسنجی از پیشینه آزار در گروه دختران، ۵۵ نفر آزار نشده و ۷۶ نفر آزار شده و در گروه پسران ۴۷ نفر آزار نشده و ۵۷ نفر آزار شده وجود داشتند. آزمودنی‌ها در گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال قرار داشتند. ابزارهای پژوهش دو پرسشنامه به شرح زیر بود:

۱- پرسشنامه کودک آزاری و بی‌توجهی: این پرسشنامه بر اساس معیارهای کودک آزاری و بی‌توجهی با توجه به پژوهشهای پیشین (هی‌بارد^(۸) و همکاران، ۱۹۸۸؛ هی‌بارد و همکاران، ۱۹۹۲؛ پری‌یست^(۹)، ۱۹۹۲؛ جونز^(۱۰) و مک کوردی^(۱۱)، ۱۹۹۲؛ بریر^(۱۲) و همکاران، ۱۹۸۷؛ اریکسون^(۱۳) و راپکین^(۱۴)، ۱۹۹۱؛ نقل از نوروزی، ۱۳۷۲) توسط نوروزی (۱۳۷۲) ساخته و در پژوهش وی مورد استفاده قرار گرفت. برای استفاده در پژوهش حاضر تغییراتی در آن داده شد، سپس به فاصله دو هفته ۲۰ نفر از دانش آموزان دبیرستانی شهرستان اهر پرسشنامه را کامل کردند که ضرایب پایایی اغلب پرسشها بین ۰/۶۰ تا ۱ بود.

۲- پرسشنامه شخصیتی آیزنک برای نوجوانان^(۱۵): این پرسشنامه بر اساس تکنیکهای تحلیل عاملی برای سنجش ابعاد اصلی نظریه‌ی شخصیتی آیزنک در کودکان و نوجوانان ساخته شده است (آیزنک و آیزنک، ۱۹۷۴؛

موقعیتی (مانند مشکلات روانی - رفتاری گذرا)، عوامل محیطی (مانند مشکلات رفتاری و روانی والدین) و مشکلات رفتاری خود کودکان مورد توجه قرار می‌گیرند. خشونت در خانواده از سه دیدگاه نظری، عمومی و تحلیلی بررسی شده است.

۱- تحلیل درون فردی^(۱) یا مدل روانپزشکی

۲- تحلیل اجتماعی - روان شناختی^(۲)

۳- تحلیل جامعه‌شناختی یا اجتماعی - فرهنگی^(۳)

مدل روانپزشکی بر ویژگیهای شخصیتی آزار دهندگان به عنوان تعیین کننده‌های اصلی خشونت و آزار تأکید می‌کند، گرچه گاهی بر ویژگیهای شخصیتی قربانی نیز اشاره می‌نماید. این مدل در بر دارنده رویکردهای نظری می‌باشد که اختلالاتی منشی^(۴) بیماریهای روانی، می‌بارگی و استفاده نابجا از مواد و سایر فرایندهای درون فردی را در بروز خشونت در خانواده به هم پیوند می‌دهد.

مدل روانی - اجتماعی بر این باور است که خشونت و آزار هنگامی می‌تواند به بهترین وجه درک شود که ارزیابی دقیقی از سازه‌های بیرونی که خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد به عمل آید. ساختار خانواده و کنشهای روزمره میان اعضای آن سازه‌های اصلی خشونت هستند. رویکردهای نظری که ساختار خانواده، استرس، انتقال خشونت از یک نسل به نسل بعدی و طرحهای تعامل خانواده را در بر می‌گیرند در مدل روانی - اجتماعی تبیین می‌شوند. مدل اجتماعی - فرهنگی، بررسی سطح کلانی را فراهم می‌نماید. پدیده خشونت به کمک متغیرهای ساختاری اجتماع مانند نابرابری، پدر سالاری^(۵)، یا هنجارهای فرهنگی، نگرش نسبت به خشونت و روابط خانوادگی تبیین می‌شود (نقل از همپتون^(۶) و همکاران، ۱۹۹۳).

پژوهش حاضر در شهرستان اهر روی گروهی از نوجوانان دبیرستانی در گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال اجرا شد تا رابطه بین عوامل جمعیت شناختی و ویژگیهای شخصیتی با کودک آزاری و بی‌توجهی مورد بررسی قرار گیرد.

1-the intra-individual level of analysis

2-social-psychological

3-sociological or sociocultural

4-character disorders

5-patriarchy

6-Hampton

7-Hibbard

8-Priest

9-Jones

10-Mc Curdy

11-Bryer

12-Erickson

13-Rapkin

14-the Junior Eysenck Personality Guestionnaire (JEPQ)

نقل از میدل بروکز^(۱) و ویک فیلد^(۲)، (۱۹۸۷). این پرسشنامه دارای مقیاسهای برونگرایی - درونگرایی (E)، روان نژندی (N)، روان پریشی (P) و دروغ سنجی (L) می باشد. راهنمای پرسشنامه، هنجارهایی برای کودکان و نوجوانان انگلیسی بین سنین ۱۵-۷ سال ارائه می کند.

در چندین پژوهش پاسخهای کودکان کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. ژامیسون^(۳) (۱۹۸۴؛ نقل از همان منبع) نمونه ای از کودکان آمریکایی را در تنسی^(۴) مورد بررسی قرار داد. پاسخهای کودکان آمریکایی نشان داد که تقریباً نمراتی شبیه کودکان انگلیسی در مقیاسهای L,P,N,E بدست آورده اند. آیزنک و سالکوفسکی^(۵) (۱۹۸۳)، به نقل از همان منبع) پاسخهای کودکان کانادایی را با کودکان انگلیسی مقایسه نمودند. آیزنک، کوزکی^(۶) و کالمانچی^(۷) (۱۹۸۰)، به نقل از همان جا) و کالمانچی و کوزکی کودکان مجارستانی^(۸) را با کودکان انگلیسی مقایسه نمودند و متوجه شدند ارتباطی بین شخصیت با عوامل اجتماعی و هوشی در نمونه هنجاری وجود دارد. هر چند که این مطالعات تفاوتی بین نمرات میانگین از کشوری به کشور دیگر بدست می دهند ولی عواملی که بوسیله پرسشنامه سنجیده می شود تشابهاتی بین کودکان کشورهای مختلف نشان می دهد (کالمانچی و کوزکی، ۱۹۸۳ نقل از میدل بروکز و ویک فیلد، ۱۹۸۷).

رحیمی نژاد در سال ۱۳۷۲، JEPQ را در تهران بر روی ۲۱۹۰ دانش آموز دختر و پسر در دامنه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال هنجاریابی نمود (رحیمی نژاد، ۱۳۷۲).

به منظور استفاده از JEPQ، در این پژوهش، پرسشنامه ای را که رحیمی نژاد مورد بررسی قرار داده بود، روی ۲۰ دانش آموز پسر شهرستان اهر دوباره به فاصله دو هفته اجرا گردید. نتایج به دست آمده با میانگین و انحراف معیار گروه رحیمی نژاد مقایسه شد که تفاوت معنی داری نشان نداد. این پرسشنامه دارای ۸۰ سؤال می باشد که به صورت بلی یا خیر پاسخ داده می شود. پس از انتخاب

نمونه، توضیحات یکسانی به آزمودنیها داده شد و ضمن اطمینان دادن از جهت محرمانه ماندن اطلاعات گرفته شده هر دو پرسشنامه همزمان جهت پاسخگویی در اختیار آنها قرار می گرفت. داده های پژوهش به کمک برنامه کامپیوتری SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته های پژوهش

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین عوامل جمعیت شناختی، شخصیتی و بد رفتاری با کودکان و نوجوانان می باشد. در این بررسی دختران و پسران دانش آموز در دو گروه آزار نشده و آزار شده مقایسه شدند. سن والدین یکی از متغیرهای جمعیت شناختی است که در برخی از پژوهشها مورد بررسی قرار گرفته است. در بررسی حاضر میانگین سن مادر و پدر در دو گروه آزار شده و آزار نشده در هر دو جنس تفاوت معنی داری نشان داد. در هر دو جنس میانگین میزان تحصیلات والدین در گروه آزار نشده نسبت به گروه آزار شده بالاتر است و این تفاوتها از نظر آماری معنی دار است ($P < 0/01$). ترتیب تولد در هیچیک از گروههای آزار نشده و آزار شده تفاوت معنی داری نشان نداد. مقایسه میانگین تعداد خواهران و برادران در بین دو گروه در هر دو جنس تفاوت معنی داری نشان داد. در هر دو جنس در گروه آزار نشده میانگین تعداد خواهران و برادران کمتر از گروه آزار شده می باشد. مقایسه میانگین میزان درآمد خانواده در گروهها در هر دو جنس تفاوت معنی داری نشان داد (جدول ۱). میانگین درآمد گروه آزار نشده در هر دو جنس بالاتر از گروه آزار شده است (جدول ۲). نتایج بدست آمده نشان می دهد که در گروههای آزار شده، ۳۲/۹ درصد دختران و ۳۶/۸ درصد پسران از بد رفتاری والدین با خود یاد کرده اند. بد رفتاری پدر در هر دو جنس بیش از بد رفتاری مادر نسبت به آنها

| | |
|-----------------|-------------|
| 1-Middle Brooks | 2-Wakefield |
| 3-Jamison | 4-Tennessee |
| 5-Salkofske | 6-Kozeki |
| 7-Kaimanchy | 8-Hungarian |

جدول ۱- فراوانی مطلق و نسبی میزان درآمد خانواده دختران و پسران در دو گروه آزار شده و آزار نشده

| میزان درآمد | گروهها | | دختران | | | | پسران | |
|-----------------------|---------|------|----------|------|-----------|------|----------|------|
| | | | آزار شده | | آزار نشده | | آزار شده | |
| | فراوانی | درصد | فراوانی | درصد | فراوانی | درصد | فراوانی | درصد |
| کمتر از ۱۰ هزار تومان | ۴ | ۷/۳ | ۲۷ | ۳۵/۵ | ۱ | ۲/۱ | ۱۷ | ۲۹/۹ |
| ۱۰ تا ۲۰ هزار تومان | ۶ | ۱۰/۹ | ۲۱ | ۲۷/۶ | ۴ | ۸/۵ | ۱۹ | ۳۳/۳ |
| ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان | ۱۳ | ۲۵/۵ | ۱۵ | ۱۹/۸ | ۱۷ | ۳۶/۲ | ۱۱ | ۱۹/۳ |
| ۳۰ تا ۵۰ هزار تومان | ۲۴ | ۳۳/۶ | ۸ | ۱۰/۵ | ۱۲ | ۲۵/۵ | ۸ | ۱۴ |
| بالای ۵۰ هزار تومان | ۷ | ۱۲/۷ | ۵ | ۶/۶ | ۱۳ | ۲۷/۷ | ۲ | ۳/۵ |
| جمع | ۵۵ | ۱۰۰ | ۷۶ | ۱۰۰ | ۲۷ | ۱۰۰ | ۵۷ | ۱۰۰ |

جدول ۲- مقایسه فراوانی، میانگین، انحراف معیار و نمره آزمون‌های پژوهش در متغیرهای مورد بررسی بر حسب گروهها

| متغیرها | گروهها | گروه آزار نشده | | درجه آزادی | نمره t | گروه آزار شده | |
|---------------------|--------|----------------|---------|------------|--------|---------------|---------|
| | | فراوانی | میانگین | | | انحراف معیار | میانگین |
| سن مادر | دختران | ۵۵ | ۳۲/۶ | ۶/۸ | ۱۲۹ | ۰/۷۹ | * |
| دختران | پسران | ۲۷ | ۳۲/۳ | ۱۳/۶ | ۱۰۲ | ۰/۸۸ | * |
| سن پدر | دختران | ۵۵ | ۳۹/۹ | ۱۰/۱ | ۱۲۹ | ۰/۱۴ | * |
| دختران | پسران | ۲۷ | ۵/۰۸ | ۱۲/۵ | ۱۰۲ | -۰/۷۰ | * |
| تحصیلات مادر | دختران | ۵۵ | ۱/۷ | ۰/۹۷ | ۱۲۹ | ۳/۴ | ** |
| دختران | پسران | ۲۷ | ۲/۰۶ | ۱/۴ | ۱۰۲ | ۳/۵ | ** |
| تحصیلات پدر | دختران | ۵۵ | ۲/۴ | ۱/۳ | ۱۲۹ | ۲/۵ | *** |
| دختران | پسران | ۲۷ | ۲/۰۶ | ۱/۴ | ۱۰۲ | ۲/۲ | **** |
| میزان درآمد خانواده | دختران | ۵۵ | ۳/۴ | ۱/۰۸ | ۱۲۹ | ۵/۸ | ** |
| دختران | پسران | ۲۷ | ۳/۷ | ۱/۰۴ | ۱۰۲ | ۶/۵ | ** |

* NS

** P < ۰/۰۰۱

*** P < ۰/۰۱

**** P < ۰/۰۵

گزارش گردیده است. در گروه‌های آزار شده، ۷۱/۹ درصد پسران و ۲۵/۵ درصد دختران به کار اشتغال داشته‌اند. بیشترین درصد این دانش آموزان در تابستان به کار می‌پردازند و اغلب درآمد خود را در اختیار خانواده قرار می‌دهند. در گروه آزار شده دختران ۵۹/۲ درصد بندرت و ۱۰/۵ درصد نیز بیشتر اوقات کتک می‌خورند. در گروه پسران ۷۱/۹ درصد بندرت و گاهی اوقات کتک می‌خورند. ۶۳/۱ درصد دختران و ۶۱/۳ درصد پسران در گروه‌های آزار شده توسط والدین و دیگر افراد خانواده تنبیه می‌شوند. همچنین ۸۴/۲ درصد دختران و ۹۳ درصد پسران گروه آزار شده در گذشته تنبیه بدنی را تجربه کرده‌اند. ۳۹/۵ درصد دختران و ۲۴/۶ درصد پسران تنبیه شده اظهار کرده‌اند در اثر تنبیه آسیب دیده‌اند. از نظر ویژگی‌های شخصیتی در بین دختران و پسران آزار نشده و آزار شده در مقیاس درون‌گرایی - برون‌گرایی

همچنین کودکان آزار شده، گوشه‌نشین، افسرده، دارای مشکلات جسمی و رفتار انحرافی می‌باشند.

(E) تفاوت معنی‌داری دیده نشد. در مقیاس روان‌پریشی (P) تفاوت میانگین نمرات دو گروه آزار نشده و آزار شده در پسران معنی‌دار بود. میانگین نمرات گروه آزار شده بالاتر بود ولی در میانگین نمرات گروه‌های آزار نشده و آزار شده دختران تفاوت معنی‌داری بدست نیامد. در مقیاس دروغ‌سنجی (L)، بین میانگین نمرات گروه آزار نشده و آزار شده در دختران تفاوت ناچیزی دیده شد که از نظر آماری معنی‌دار نبود. ولی میانگین نمرات گروه آزار نشده پسران در این مقیاس بالاتر از میانگین نمرات گروه آزار شده بود و تفاوت میان آنها معنی‌دار بود (جدول ۳).

جدول ۳- مقایسه فراوانی، میانگین، انحراف معیار و نمره t گروه‌های مختلف پژوهش در مقیاس‌های مورد بررسی پرسشنامه شخصیتی آیزنگ

| متغیرها | گروه‌ها | | گروه آزار نشده | | درجه آزادی | نمره t | گروه آزار شده | |
|-----------------------------|---------|---------|----------------|---------|------------|--------|---------------|-------|
| | فراوانی | میانگین | انحراف معیار | میانگین | | | انحراف معیار | |
| مقیاس درون‌گرایی برون‌گرایی | | | | | | | | |
| دختران | ۵۵ | ۱۲/۲ | ۳/۹ | ۱۲۹ | ۱۲۹ | ۰/۸۲* | ۷۶ | ۱۱/۵ |
| پسران | ۴۷ | ۱۵/۵ | ۴/۰۵ | ۱۰۲ | ۱۰۲ | ۰/۳۹ | ۵۷ | ۱۵/۲ |
| مقیاس روان‌نژندی | | | | | | | | |
| دختران | ۵۵ | ۱۱/۲ | ۵/۲ | ۱۲۹ | ۱۲۹ | -۳/۹** | ۷۶ | ۱۸/۰۱ |
| پسران | ۴۷ | ۱۵/۵ | ۴/۰۵ | ۱۰۲ | ۱۰۲ | -۶/۳** | ۵۷ | ۱۵/۲ |
| مقیاس روان‌پریشی | | | | | | | | |
| دختران | ۵۵ | ۱/۹ | ۲/۷ | ۱۲۹ | ۱۲۹ | -۱/۷* | ۷۶ | ۲/۵ |
| پسران | ۴۷ | ۱/۸ | ۲/۳ | ۱۰۲ | ۱۰۲ | -۳/۲** | ۵۷ | ۳/۰۹ |
| مقیاس دروغ‌سنجی | | | | | | | | |
| دختران | ۵۵ | ۱۴/۱ | ۴/۶ | ۱۲۹ | ۱۲۹ | ۰/۰۸* | ۷۶ | ۱۴/۲ |
| پسران | ۴۷ | ۱۲/۵ | ۴/۷ | ۱۰۲ | ۱۰۲ | -۲/۶ | ۵۷ | ۱۰/۵ |

* NS

** P < ۰/۰۰۱

بنظر می‌رسد هنگامی که شمار فرزندان زیاد و درآمد پایین است، والدین استرس بیشتری را تحمل می‌کنند. از سوی دیگر منابع حمایتی آنها کمتر است. همان طور که یافته‌ها نشان می‌دهند (بلسکی^(۱۲)، ۱۹۸۰؛ بلسکی و وندرا^(۱۳)، ۱۹۸۹؛ نقل از بلسکی، ۱۹۹۳) هنگامی که عوامل فشارزا بیشتر از میزان حمایت‌های دریافتی باشد احتمال بدرفتاری با کودک افزایش خواهد یافت. در مورد جنسیت والد آزارگر همچنانکه مؤسسه ملی بهداشت روانی آمریکا (۱۹۷۸) عنوان می‌کند عملاً تعیین اینکه کدامیک از والدین بیشتر آزارگر می‌باشد غیر ممکن است. زیرا وقتی یک والد بدرفتاری می‌کند والد دیگر بطور ضمنی رفتار او را تأیید و حتی تشویق نیز می‌کند. نتایج پژوهش حاضر بر خلاف دیگر بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که پدر بیشتر بدرفتاری و تنبیه نموده است. احتمالاً این امر به خاطر نقش مسلط پدر در خانواده‌های سنتی می‌باشد. همچنین همان طور که ولف^(۱۴) (۱۹۸۷)، نقل از همان منبع) بیان می‌نماید، اگر میزان حضور پدر در خانواده را بررسی کنیم ممکن است دریابیم که این پدران به دلیل بیکاری و یا سایر دلایل حضور بیشتری در خانه دارند. از نظر ویژگی‌های شخصیتی بین دو گروه آزار شده و آزار نشده در هر دو جنس در مقیاس درونگرایی - برونگرایی تفاوت معنی داری دیده نشد. بنظر می‌رسد این آزمودنی‌ها نسبت به همسالان تهرانی خویش درونگراتر هستند. یعنی محدودیت‌های اجتماعی را آسانتر می‌پذیرند، خوددارترند و از بروز احساسات خود بیشتر جلوگیری می‌کنند. شاید علت آن محیط خانوادگی و اجتماعی

بررسی‌های انجام شده در این زمینه نشان می‌دهند که برخی از عوامل جمعیت‌شناختی رابطه معنی‌داری با کودک آزاری و بی‌توجهی دارند. سن والدین در اغلب پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است (نوس^(۱)، ۱۹۶۴؛ ژیل^(۲)، ۱۹۶۸؛ به نقل از مؤسسه ملی بهداشت روانی آمریکا، ۱۹۷۸، کاپلان و سادوک، ۱۹۹۵؛ چانگ^(۳)، ۱۹۹۴). این بررسی‌ها نشان می‌دهند که والدین آزارگر اغلب جوان و دارای سن پایین می‌باشند. بر خلاف بررسی‌های یاد شده، در بررسی حاضر تفاوت معنی‌داری بین گروه‌ها از نظر سن والدین وجود نداشت که به نظر می‌رسد ناشی از ارزشها و باورهای حاکم بر جامعه و اهمیت ازدواج از نظر اعتقادی باشد. والدین آزارگر اغلب از نظر تحصیلات نیز در سطح پایین قرار دارند (کوامیزاروک^(۴)، ۱۹۶۶؛ زاگرمین^(۵)، ۱۹۷۲، به نقل از چانگ-چان، ۱۹۹۴). بررسی حاضر با بررسی‌های یاد شده در این زمینه هماهنگی دارد. به نظر می‌رسد والدینی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند آموزش‌های بیشتری را به صورت مستقیم و غیر مستقیم در مورد کیفیت تعامل والد-فرزند دریافت می‌کنند و نیز از تجارب دیگران بخاطر گسترش ارتباطات اجتماعی بیشتر بهره‌مند می‌گردند. در زمینه ترتیب تولد و رابطه آن با کودک آزاری توافق کلی وجود ندارد (مؤسسه ملی بهداشت روانی آمریکا، ۱۹۷۸). شاید به این خاطر است که در خانواده‌های خشن و بدرفتار، همه کودکان به طور نسبی در معرض بدرفتاری هستند و اگر همه این کودکان مورد بررسی قرار گیرند ممکن است مشخص شود که ترتیب تولد نقش خاصی در بروز این پدیده نداشته است. نتایج پژوهش حاضر با برخی از بررسی‌هایی که در زمینه تعداد افسرد و درآمد خانواده و رابطه آن با کودک آزاری انجام گردیده همچوانی دارد (میلنر^(۶) و چیلا مکورتی^(۷)، ۱۹۹۱؛ نقل از همپتون و همکاران، ۱۹۹۳؛ برگزیده^(۸)، دلگادو^(۹) و گرایبیل^(۱۰)، ۱۹۹۴؛ فین کل هور^(۱۱)، ۱۹۷۹؛ جونز و مک کوردی،

| | |
|---------------|--------------|
| 1-Nurse | 2-Gil |
| 3-Chungchan | 4-Komisoaruk |
| 5-Zukerman | 6-Milner |
| 7-Chilamkurti | 8-Bergner |
| 9-Delgado | 10-Graybill |
| 11-Finkelhor | 12-Belsky |
| 13-Vondra | 14-Wolfe |

محدود کننده آنها باشد. شرایط فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی احتمالاً هر دو گروه دختر و پسر را یکسان تحت تأثیر قرار می دهد.

در مقیاس روان نژندی میانگین نمرات گروه آزار شده در هر دو جنس بالاتر بود که با یافته های بررسی های دیگر هماهنگی دارد مثلاً بیستا^(۱) و پترسون^(۲) (۱۹۹۰) کودکان آزار شده را درون گرا، خجالتی، ترسو، حساس نسبت به تأیید و تهدید، با ملاحظه نسبت به دیگران، بسیار تحت تأثیر احساسات و دارای تحمل بسیار کم برای ناکامی می دانند. همچنین کودکان آزار شده، گوشه نشین، افسرده، دارای مشکلات جسمی و رفتار انحرافی می باشند. بنظر می رسد گاهی ویژگی های روان نژندی کودکان، هنگامی که والدین مستعد آزارگری و بد رفتاری هستند چرخه معیوبی را ایجاد می کند. به این ترتیب که واکنش های روان نژدانه کودکان باعث تحریک خشونت والدین و در نتیجه آزار کودکان می شود و این آزار و بد رفتاری واکنش های روان نژندی را در کودکان تشدید می نماید. در مقیاس روان پریشی تفاوت بین گروه های آزار نشده و آزار شده پسران معنی دار بود، ولی در بین دختران تفاوت معنی دار نبود. همان طور که آیزنک عنوان می کند بخشی از واکنش های روان پریشی جنبه زیستی دارند و بخشی دیگر نتیجه یادگیری است (پروین^(۳)، ۱۳۷۴). بنابراین تعدادی از کودکانی که رفتار آزارنده را تجربه کرده اند، خودشان با رفتارهای ضد اجتماعی خویش موجبات آزار دیگران را فراهم می آورند. احتمالاً نبود تفاوت معنی دار بین گروه های دختران و وجود تفاوت معنی دار بین گروه های پسران ناشی از این امر است که بروز این رفتارهای پر خاشگرانه و جامعه ستیز در پسران نسبت به دختران از طرف هنجارها، ارزشها و انتظارات حاکم بر جامعه کمتر با تقبیح و ممانعت روبرو می شود. از این رو احتمال بروز واکنش هایی که بیشتر محصول تجربه و یادگیری است در پسرانی که در معرض آزار و بد رفتاری بوده اند، بیشتر است.

برخی از بررسی های آیزنک (۱۹۷۶)، به نقل از رحیمی نژاد، (۱۳۷۲) نشان داد که مقیاس دروغ سنجی مقبولیت اجتماعی را نیز می سنجد. یعنی نمره بالا در این مقیاس می تواند بیانگر تمایل شدید فرد به رعایت هنجارها و مقررات جامعه باشد. به نظر می رسد این فرضیه در مورد دختران درست است، زیرا دختران بیشتر معتقد به رعایت ارزشها، هنجارها و مقررات جامعه هستند و از این نظر بین دو گروه آزار شده و آزار نشده دختران نبود تفاوت قابل تبیین است. از سوی دیگر پسران آزار نشده که میانگین نمرات بالاتری در این مقیاس به دست آورده اند احتمالاً بهتر و بیشتر از پسران آزار شده مطابق انتظارات جامعه و خانواده رفتار میکنند و از این راه باعث بهبود کیفیت تعامل والد - فرزند می شوند و از بروز خصومت و رفتارهای آزارنده پدر و مادر پرهیز می نمایند. ممکن است نمره بالای گروه آزار نشده در این مقیاس شاخص این باشد که آنان بد رفتاری و آزار دیدگی را مخفی کرده و بیان نموده اند. بنابر این به عنوان توجیه بخشی از تفاوت بین دو گروه آزار شده و آزار نشده تلقی شود.

محدودیتها و پیشنهادات

- این پژوهش با محدودیت هایی به شرح زیر روبرو بوده است:
- داده ها از طریق خود سنجی توسط آزمودنیها بدست آمد که احتمال تحریف واقعیت وجود دارد.
- تعداد نمونه مورد بررسی کم بود.
- آزمودنیها آذربایجانی بودند و احتمال می رود در فهم برخی از پرسشها مشکل داشته باشند.
- پسران از پرسشها بخاطر مسایل فرهنگی و محدودیت های ناشی از آن غیر مستقیم طرح شده بود.
- تعاریف انواع مختلف کودک آزاری و بی توجهی عموماً مربوط به جوامع پیشرفته غربی می باشد.
- پیشنهاد می شود مصاحبه نیز در ارزیابی آزمودنیها

- Basta, M. S., & Peterson, F. R. (1990). Perpetrator status and the personality characteristics of molested children: *Child Abuse and Neglect*, 14, 555-66.
- Bankowski, Z., & Carballo, M. (1989). Battered Children and Child Abuse, Proceedings of the XIXth Cloms Round table Confernces, Switzerland.
- Belsky, J. (1993). Etiology of child maltreatment. A developmental ecological analysis. *Psychological Bulletin*, 114, 413-34.
- Bergner, M. R., Delgado, K. L., & Graybill, D. (1994). Finkelhor's risk factors checklist: A cross validation study; *Child Abuse and Neglect*, 18, 331-40.
- Chungchan, Y. (1994). Parenting stress and social support of mothers who physically abuse their children in Hong Kong. *Child Abuse and Neglect*, 18, 261-9.
- Hampton, L. R., Gullota, P. T., Adams, R. G., Potter, H. E., & Weissberg, P. R. (1993). *Family violence prevention and treatment*; London: SAGE Publication Inc.
- Kaplan, I. H., & Sadock, J. B. (1994). *Synopsis of Psychiatry, Behavioral Sciences Clinical Psychiatry*, (7th ed.). Baltimore, Williams & Wilkins.
- Middle Brooks, K., & Wakefield, A. J. (1987). The junior Eysenck Personality Questionnaire: an American sample; *Personality and Individual Differences*, 8, 471-4.
- Nelson, E. W., Behroman, E. R., Kliegman, M. R., Arvin, M. A. (1996). *Textbook of pediatrics*; (15th ed.). USA: W. B. Saunders Company.
- World Health Organization (1994). *Protocol for study of interpersonal physical abuse of children*; Geneva: WHO.
- National Institute of Mental Health (1978). *Child Abuse and Neglect, Programs, Practice and Theory*. New York: National Institute of Mental Health.

گنجانیده شود و از نظرات متخصصان دیگر در ارزیابی عینی و دقیق پدیده استفاده شود. همچنین ویژگیهای شخصیتی والدین، سلامت روانی والدین و کودکان، آسیبهای روانی ناشی از کودک آزاری و بی توجهی، تأثیر باورها و اعتقادات مذهبی در بروز یا پیشگیری از وقوع آن و مداخلات درمانی مؤثر مورد بررسی قرار گیرد.

سپاسگزاری

از آقایان دکتر جعفر بوالهری، دکتر بهروز بیرشک، دکتر داود شاه محمدی به خاطر رهنمودهای مفید و ارزنده شان، همچنین از آقایان جعفر علی روشنگر، عیسی کریمی و سایر کارکنان انستیتو روانپزشکی تهران که از هر گونه همکاری در جریان پژوهش دریغ ننمودند تشکر می نمایم. لازم می دانیم از همکاران محترم خانمها: فریده و هاجر رشیدی فر و آقایان: تقی تاروردی پور، محمود طالبی، اصغر رضایی، احمد توکلی، احمد اظهري، اکبر فرح جو، رضا صبح خیز، جبرائیل ابراهیمی و تقی پور حسن بخاطر همکاری در جمع آوری داده ها سپاسگزاری نمایم.

منابع

- پروین، لارنس ای. (۱۳۷۴). روانشناسی شخصیت (نظریه و تحقیق) جلد دوم، ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- رحیمی نژاد، عباس (۱۳۷۲). استاندارد کردن پرسشنامه شخصیتی آیزنک روی دانش آموزان دختر و پسر ۱۲ تا ۱۸ ساله تهرانی. تهران: دفتر مشاوره و تحقیق وزارت آموزش و پرورش.
- کارور، چارلز، اس؛ شی یر، مایکل، ف. (۱۳۷۵). نظریه های شخصیت؛ ترجمه احمد رضوانی. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- نوروزی، فاطمه (۱۳۷۲). بررسی پیشینه کودک آزاری و بی توجهی در دانش آموزان ۱۴ تا ۱۸ ساله تهرانی. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران.